

نهاد خلافت بدعتی بود که بی مقدمه توسط کسانی از صحابه محمد در دین او گذاشته شد، زیرا که بیش از آن نه در قرآن اشاره ای بدان شده بود، نه خود محمد چیزی در این باره گفته بود. حتی در هنگام تاسیس نیز، این نهاد چه از نظر نوع وظایف خود، چه از لحاظ اختیارات خود و چه در زمینه نوع انتخابات یا انتصاب خود وضعی کاملاً مبهم داشت. بر چنین اساسی جای شگفتی نیست اگر تاریخ این نهاد از آغاز تا پایان آن تاریخ اختلافها، توطئه ها و جنگهای داخلی باشد. به سخن معروف شهرستانی هیچ نهاد دیگری از نهادهای اسلامی این همه خون و کشتار همراه نیاورده است. حتی شاید از همان هنگام سقیفه بنی ساعده، کار در میان انتخاب کنندگان میتوانست به شمشیر بکشد، و چیزی که مانع چنین وضعی شد دریافت خبرهای نگران کننده از جانب بادیه نشینان نزدیک و دور بود که آنرا برای حفظ خودشان از خطر آنان ناگزیر به اتحادی اجباری کرد.

نباید تصور کرد که هنگام مرگ محمد همه جزیره العرب آیین تازه را پذیرفته بود، یا اینکه قبایل مختلف آن جملگی مطیع شده بود. این امر تنها در مورد قبایلی که مجاور بیواسطه مکه و مدینه بودند صادق بود، ولی به همان نسبت که از این دو شهر دور میشدند اینها جای خود را به قبایلی میداند که مسلمان شدنشان جنبه ای کاملاً سطحی داشت. زیرا که یا برای فرار از عواقبی بدتر قبول پرداخت مالیات خمس کرده بودند و یا اصولاً همین تعهد را هم نکرده بودند. بدین جهت همه اینها با شنیدن خبر درگذشت محمد در بازگرفتن آزادی پیشین خود درنگ نکردند، و بسیاری از آنها نیز در مقابله با مرکزیت مدینه با یکدیگر جبهه هایی مشترک پدید آوردند، و بعد از سرکوبیهای بسیار خشن دوران خلافت ابوبکر هم اسلام آوردن دوباره آنها به ادای لفظی جمله شهادت، آنهم تنها از جانب رئیس هر قبیله محدود مانده، و تازه گروهی از قبایل شمالی عربستان که خلافت نورسیده میخواست از کشمکش با آنان حتی المقدور خودداری کند، اساساً مورد فشاری قرار نگرفتند.... آن **Pax islamica** که بدین ترتیب بصورت تشریفاتی برقرار شد با همه آنکه بر سلاحهای جنگی دستگاه خلافت متکی بود نارضایی فراگیر بدویان را فرونشانیده بود، و فرونشاندن این نارضایی در چنین شرایطی جز از این را امکان پذیر نبود که شور جنگجویی و عشق فراوان غارتگری و غنیمت جویی این بادیه نشینان ناراضی در مسیری غیر از عصیان علیه حکومت مرکزی یا تجدید جنگهایی سنتی قبیله ای هدایت شود. بدین ترتیب تضمین این « صلح اسلامی » در داخل، مستلزم جنگهایی در خارج از شبه جزیره، نخست بصورت جنگهای غنیمت گیری در مقیاس هایی وسیع، سپس جنگهای کشورگشایی و پی افکندن یک امپراتوری بود که در دوران خود محمد صحبتی از هیچکدام آنها نبود.

بن مایه : پس از هزار و چهارصد سال - دکتر شجاعالدین شفا

گردآورنده:  
شاهین کاویانی



<http://derafsh-kavivani.com/books/>